

علمی-پژوهشی

فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی - واحد شوشتر

سال هفتم، شماره (۲۰)، بهار ۱۳۹۲

تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۱/۱۱

صص ۵۳-۸۰

آسیب شناسی مسائل قومی در جامعه ایران (بررسی موردی عرب‌های ساکن شهرستان اهواز)

علی کریم زاده^۱، سید فواد علوی^۲، علی احمدی راد^۲

چکیده

تحقیق حاضر با استفاده از رویکرد کمی و به صورت پیمایشی در شهرستان اهواز صورت گرفته است. در این تحقیق محرومیت نسبی، هویت قومی و هویت ملی بخشی از جمعیت تحصیلکرده عرب این شهرستان مورد بررسی قرار گرفته‌اند. اهداف کلان این پژوهش پاسخ به پرسش‌های زیر بوده است: الف- وضعیت احساس محرومیت نسبی، میزان تعلق به هویت قومی و هویت ملی در میان تحصیلکرده‌های قومیت عرب استان خوزستان چگونه است؟ ب- این مولفه‌های سه گانه (محرومیت نسبی، هویت قومی و هویت ملی) چه ارتباطی با همدیگر دارند؟ نمونه آماری در این تحقیق، ۳۰۰ نفر از تحصیلکرده‌های قوم عرب استان خوزستان بین ۱۸ الی

A.karimzadeh@gmail.com

۱- دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

۲- کارشناس ارشد جغرافیای نظامی دانشگاه جامع امام حسین(ع).

۵۵ سال ساکن شهرستان اهواز می‌باشند. که از میان ۳۰۰ برگه پرسشنامه پخش شده، حدود ۲۳۰ برگه پاسخ داده شده عودت گشته که مبنای ارزیابی این تحقیق قرار گرفته است. داده‌های این تحقیق در اردیبهشت ۱۳۹۱ توسط پرسشنامه و به صورت نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای جمع آوری شده‌اند. نتایج حاصله از این تحقیق، رابطه معنادار بسیار قوی‌ای بین محرومیت نسبی با هویت قومی در ابعاد مختلف و هویت ملی و همچنین بین انواع هویت قومی با هویت ملی را مورد تایید قرار می‌دهد.

واژه‌های کلیدی: خوزستان، قومیت، قومیت عرب، هویت، هویت قومی و هویت ملی.

مقدمه و طرح مساله

ایران به عنوان یکی از کشورهای مهم خاورمیانه، از دیر باز محل سکونت اقوام متعددی بوده که از نظر، فرهنگ، زبان، دین و مذهب از همدیگر متفاوت بوده‌اند. همین تنوع معمولاً تحركات قومی را از اهمیت خاصی برخوردار ساخته است، به طوریکه می‌توان گفت بخشی از سیاست‌های ملی و بین‌المللی ایران در قرن بیستم متأثر از مساله قومیت‌ها بوده است. کشورهای خارجی به کرات از این تنوع استفاده کرده و حکومت مرکزی را تحت فشار قرار داده‌اند (رضا نژاد، ۱۳۸۵: ۲). یکی از کانون‌های بسیار مهم این تنوع قومی در منطقه خوزستان واقع شده است. استان خوزستان یکی از استان‌های مهم کشور است، بطوری که حدود ۸۰ درصد نفت کشور و ۳۰ درصد منابع آب کشور و بخش عظیمی از منابع برق کشور (عاصفی، ۱۳۸۷) و بیش از ۱.۵ میلیون هکتار زمین با قابلیت کشاورزی و ۳ میلیون هکتار زمین قابل تبدیل به زمین کشاورزی (رضا نژاد، ۱۳۸۵: ۷۹) و دارا بودن صنعت استراتژیک نیشکر کشور و صنایع جانبی آن و همچنین مهمترین صنایع پتروشیمی و فولاد کشور و بسیاری دیگر از قابلیت‌های اقتصادی و فرهنگی ایران در این استان قرار دارند. از منظر جامعه‌شناسی دو قوم یا دو گروه عمده قومی؛ یعنی لرها و عرب‌ها در این استان ساکن هستند. بطور تقریبی حدود ۴۰ تا ۴۵ درصد از اهالی استان خوزستان را لرها و بین ۳۵ تا ۴۵ درصد از ساکنان استان را عرب‌ها تشکیل می‌دهند. ۱۰ تا ۱۵ درصد دیگر را هم گروه‌هایی نظیر دزفولی‌ها، بهبهانی‌ها، ترک‌ها، کردها، سیستانی‌ها و... تشکیل می‌دهند (نوری، ۱۳۸۷). اقوام مختلف در استان خوزستان علیرغم

وجود یکسری تمایزات و تفاوت‌های فرهنگی _ اجتماعی، با توجه به همگرایی هویتی قوی‌ای که در بین آن‌ها (دین و مذهب مشترک، سرزمین مشترک و...) وجود دارد، طی قرون متمادی به زیست مشترک و زندگی مسالمت آمیز خود در کنار یکدیگر ادامه داده‌اند. در دو دهه اخیر تحولاتی در بستر اجتماعی جامعه استان خوزستان رخ داده که باعث شده تفاوت‌های فرهنگی و اجتماعی میان قومیت‌های استان، به سمت اختلافات فرهنگی و در بعضی مواقع به اختلافات سیاسی میان آنها سوق داده شود. این اختلافات باعث بروز برخی ناآرامی‌های اجتماعی در سال‌های اخیر شده است. آشوب‌های سال ۱۳۸۴ در منطقه خوزستان یکی از این نمونه‌هاست. پژوهش‌ها و تحقیقات علمی که در ارتباط با این تحولات در چند سال اخیر انجام شده، حاکی از این است که عامل این ناآرامی‌ها در کنار سایر عوامل از وجود نوعی احساس محرومیت نسبی میان عرب‌های استان خوزستان و وجود تفاوت و بعضاً تعارض میان هویت قومی با هویت ملی در میان آن‌ها نشأت گرفته است. دلیل این تعارضات هویتی نیز ناشی از سیاسی شدن هویت قومی در میان اعراب استان خوزستان (تشدید هویت قومی) است که پیامدهای مهمی نیز در میان آن‌ها به دنبال داشته است. این تحقیقان نشان می‌دهند، هرچه که هویت قومی در بین عرب‌های استان افزایش یابد، به همان اندازه احساس تعلق به هویت ملی کاهش می‌یابد. این افزایش هویت قومی که در بحث قومیت‌ها، خودش را در قالب تشدید هویت قومی و احساس تعلق به آن در برابر هویت ملی ظاهر می‌کند در صورت تبدیل شدن به قوم‌گرایی افراطی و احساس برتری بر اقوام دیگر، یا به تعبیری سیاسی شدن هویت قومی، می‌تواند منشأ تعارض قومی و مانع انسجام و همبستگی ملی در سطح جامعه باشد.

پژوهش حاضر درصدد است یکی از مولفه‌های اصلی تاثیر گذار بر هویت قومی در استان خوزستان یعنی احساس محرومیت نسبی در میان قومیت عرب و ارتباط آن با گرایش به هویت قومی و هویت ملی در میان آن‌ها را بررسی کرده و ارتباط این سه مولفه مهم و تاثیر گذار بر تحولات قومی در استان خوزستان را مورد ارزیابی مجدد قرار دهد.

اهداف و فرضیات تحقیق

مهمترین هدف این تحقیق بررسی تاثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی تحصیلکردگان عرب استان خوزستان می‌باشد. در این راستا فرضیاتی که در این تحقیق دنبال می‌شوند، عبارتند از:

بین احساس محرومیت نسبی با هویت ملی افراد رابطه معناداری وجود دارد.

بین احساس محرومیت نسبی با هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

بین احساس محرومیت نسبی با هویت قومی در بعد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد.

بین احساس محرومیت نسبی با هویت قومی در بعد فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

بین احساس محرومیت نسبی با هویت قومی در بعد سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

پیشینه تحقیق

عبدالرضا نواح و سید مجتبی تقوی نسب در طرحی پژوهشی با عنوان «عوامل موثر بر تشدید هویت قومی اعراب خوزستان» در سال ۱۳۸۶، به بررسی عوامل دخیل در افزایش هویت قومی در میان اعراب استان خوزستان پرداخته‌اند. از نظر این پژوهشگران عوامل بسیار زیادی در بروز هویت قومی در این منطقه دخیل هستند که از نظر آنها پارامترها یا فاکتورهایی مثل عدم توسعه یافتگی و محرومیت نسبی اقتصادی در استان، فعالیت نخبگان قومی، ارتباطات خارجی با آن سوی مرز، سیاست‌های اعمالی از جانب حاکمیت در این زمینه نقش اساسی را بر عهده دارند. (نواح، ۱۳۸۶) عبدالرضا نواح و سید رضا تقوی در طرحی تحت عنوان «آسیب شناسی مسائل قومی در کشور، بررسی موردی: آسیب شناسی قومی در خوزستان، در شه‌ریور ۱۳۸۷ عوامل موثر بر هویت قومی قوم عرب و پیامدهای ناشی از آن مورد توجه قرار داده‌اند. در بخش عوامل موثر بر هویت قومی به بیست و دو عامل مهم اشاره می‌شود از جمله: محرومیت نسبی سیاسی، محرومیت نسبی اقتصادی، محرومیت در دستیابی به مشاغل، اعتقاد به تخبگان قوم عرب، ارتباط با خارج، استفاده از برنامه‌های ماهواره، استفاده از رسانه‌های سیاسی خارجی، رضایت از نظام سیاسی و... اشاره کرده است. در این تحقیق پیامدهای ناشی از تشدید هویت قومی را در سه بعد: ۱- هویت ملی، ۲- گرایش به خودمختاری و ۳- گرایش به

خشونت جمعی را مورد توجه قرار گرفته است. (نواح، ۱۳۸۷) نواح در پژوهشی تحت عنوان قوم عرب واگرایی یا همگرایی، به بررسی رابطه احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و تاثیر آن بر هویت ملی در میان عرب‌های استان خوزستان پرداخته است. محقق، هویت قومی را در سه بعد فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و سپس با استفاده از نظریه محرومیت نسبی تد رابرت گرا^۱، رابطه بین متغیر احساس محرومیت نسبی و هویت قومی در حالت‌های سه گانه آن و در حالت کلی، همچنین رابطه بین احساس محرومیت نسبی و هویت ملی و رابطه بین هویت قومی و هویت ملی را مورد آزمون قرار داده است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که تمام فرضیات محقق در سطح آماری ۰/۰۱ به اثبات رسیده‌اند. دیگر یافته‌ها نشان می‌دهد که هویت قومی و هویت ملی در میان شهرهای مختلف استان خوزستان تفاوت معناداری با هم دارند. رابطه بین احساس محرومیت نسبی و هویت قومی مستقیم، اما رابطه احساس محرومیت نسبی و هویت ملی معکوس بوده است و بالاخره این که بین هویت قومی و هویت ملی رابطه معکوس وجود دارد. با توجه به نتایج به دست آمده که نشان می‌دهد قوم عرب بسوی واگرایی پیش می‌رود، محقق پیشنهاد می‌کند که دولت و سیاستمداران این مرز و بوم نسبت به مسأله قوم عرب توجه بیشتری داشته باشند. (نواح، ۱۳۸۴). محمد هیودی در تحقیقی توصیفی و تحلیلی، عقیده دارد که عرب‌ها در انتخابات سطح استان مثلاً انتخابات شوراها، مشارکت بیشتری دارند (هیودی، ۱۳۸۵). تقوی نسب طی پیمایشی عقیده دارد که مهمترین عامل موثر بر هویت قومی عرب‌ها متغیر فرهنگی « پایبندی به هنجارهای قومی» است (تقوی نسب، ۱۳۸۶).

مبانی نظری

قوم^۲:

آنتونی دی اسمیت که خود از بنیانگذاران دیدگاه نماد پردازی قومی است، قوم را چنین تعریف کرده است: «قوم عبارت است از یک جمعیت انسانی مشخص با یک افسانه اجدادی

1-Ted Robert Gurr.

2 - Ethnic

مشترک، خاطرات و عناصر فرهنگی مشترک، پیوند با یک سرزمین تاریخی یا وطن و با میزانی از حس منافع و مسئولیت» (آنتونی اسمیت، ۱۳۷۷: ۱۸۶):

قومیت^۱

قومیت اجتماع کوچکی از انسان‌ها در درون جامعه‌ای بزرگتر است که به صورت «واقعی» یا «احساسی و ادراکی»، دارای اصل و نسب مشترک، خاطرات مشترک و گذشته تاریخی - فرهنگی مشترک است. همچنین دارای یک یا چندین عنصر سمبلیک نظیر خویشاوندی، مذهب، زبان، سرزمین و خصوصیات ظاهری و فیزیکی مشترک باشد که هویت گروهی آنان را از گروه‌های دیگر متمایز می‌سازد و اعضا آن به تعلقات گروهی - قومی خویش آگاهی دارند (مجتبی مقصودی، ۱۳۸۰: ۲۱).

هویت^۲

هویت یا identity در فرهنگ آکسفورد از ریشه لاتین identitas است که از idem به معنی تشابه و یکسان گرفته شده است و دو معنای اصلی دارد: اولین معنای آن بیانگر مفهوم تشابه مطلق یا این همانی و معنای دوم آن به مفهوم تمایز میان دو شیء یا دو فرد و یا دو چیز با یکدیگر است. با این وجود هویت را می‌توان ویژگی و کیفیتی دانست که موجب تمایز و شناسایی فرد، گروه، قوم، و یا جامعه‌ای از دیگر افراد، گروه‌ها، اقوام و جوامع می‌شود. بنابراین هویت به طور همزمان دو نسبت محتمل را میان افراد یا اشیاء برقرار می‌سازد؛ از یک طرف شباهت و از طرف دیگر تفاوت. (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۸ و ۱۹) به این معنا که ما بوسیله تشابه‌ها و تفاوت‌هایی که داریم شناخته می‌شویم.

هویت قومی^۳

هویت قومی نیز همانند هویت ملی نوعی شناخت از خود و تمایز با دیگران است. و به احساس وفاداری و افتخار به نمادهای قومی همچون زبان، مذهب، آداب و مناسک و مفاخر فرهنگی اطلاق می‌شود (یوسفی، ۱۳۷۲: ۲۰۳). در این نوع هویت، روابط عاطفی اعضای بیشتر

1 - Ethnicity

2 - Identity

3 - Ethnic Identity

بوده و همگنی و یکدستی بیشتری نسبت به جامعه بر آن حاکم می‌باشد. (رضایی، و دیگران، ۱۳۸۶: ۱۲۱). چراکه هویت قومی نوعی وضعیت روانی برانگیختگی است که در جریان آن اعضا گروه قومی احساس پیوستگی و تعلق خاطر جدی (خیالی یا واقعی)، در بین خود و بین خود با سایر گروه‌های می‌نمایند. در این شرایط خاص ممکن است گرایش قوم مدارانه^۱ تقویت شود و احساسات مشترک در زمینه‌هایی مثل تاریخ، سرنوشت، منافع و نمادهای فرهنگی تجلی و بروز می‌یابد.

هویت ملی^۲

اگر هویت، شناختی است که مردم از خود دارند و خود را با دیگران متمایز می‌کنند (زاهد، ۱۳۸۴: ۱۳۱)، هویت ملی ارتقای این شناخت از فرد، گروه و قبیله و هر اجتماع فروملی به جامعه ملی و احساس تعلق به «عناصر و نمادهای مشترک ملی (کل جامعه) و در میان مرزهای تعریف شده سیاسی است.» (یوسفی، ۱۳۸۰: ۱۷) در هویت ملی سؤال از این است که فرد خودش را عضو کدام واحد سیاسی می‌داند. مسئله این است که افرادی که از لحاظ فیزیکی در یک واحد جغرافیایی و نظام حکومتی خاص قرار دارند و مشمول قوانین حاکم بر آن هستند آیا به لحاظ روانی هم خود را عضو این نظام سیاسی می‌دانند یا خیر؟

هویت ملی به تعبیری، فراگیرترین، بالاترین و مشروع ترین سطح هویت و نوعی احساس تعلق به ملتی خاص است. ملتی که نمادها، سنت‌ها، مکان‌های مقدس، آداب، رسوم، قهرمانان تاریخی و فرهنگ و سرزمین معین دارد. (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۶۳).

تشدید هویت قومی:

منظور از تشدید هویت قومی، تقویت عناصر هویت شناختی و از جمله احساسات مشترک در زمینه‌هایی مثل تاریخ، سرنوشت، منافع و نمادهای فرهنگی است که در این شرایط هویت قومی افراد عضو گروه قومی از سطح فرهنگی خارج و قومیت تبدیل به امری سیاسی

می‌شود (ونهن^۱، ۱۹۹۹: ۵۷) و (منتی^۲، ۲۰۰۶: ۱۳).

تشدید هویت قومی شرایطی است که افراد عضو گروه قومی از سطح فرهنگی خارج، و قومیت تبدیل به امر سیاسی یا نیروی سیاسی می‌شود. البته باید توجه داشت که هویت قومی به لحاظ شدت و ضعف به صورت طیفی است که از هویت قومی معمولی مانند اختلاف در آداب و رسوم و زبان و... شروع و تا کنش سیاسی اقوام را شامل می‌شود. آن قسمت از طیف که از شدت قوی برخوردار است، تشدید هویت قومی نامیده می‌شود. آثار و تبعات تشدید هویت قومی این است که به شدت خواسته‌ها و نیازهای (واقعی و خیالی) قومی را افزایش می‌دهد و معمولاً خواسته‌ها از شکلی قانونی مثل خواسته‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... شروع می‌شود و به خواسته‌های غیرقانونی می‌رسد که به ضرر منافع نظام سیاسی و دولت ملی است. زیرا هر چه تشدید هویت قومی حادثتر باشد، مسائل و مشکلات قومی بیشتر به سمت ناامنی و بروز چالش‌های امنیتی سیر می‌کند (زندئ، ۱۳۸۰: ۴۸). این تشدید هویت قومی گرایش به هویت ملی را نیز در میان قومیت‌ها کاهش داده و همبستگی ملی و انسجام اجتماعی کشور را در ارتباط با همگرایی قومی خدشه دار می‌کند. و باعث می‌شود، راهبرد همپوشانی و تقویتی که بین هویت قومی و هویت ملی وجود دارد به سمت راهبردهای تخریبی و رودرویی هویت قومی با هویت ملی حرکت کند. (کریم زاده، ۱۳۸۸: ۱۳۳-۱۲۸)

چارچوب نظری این تحقیق

نظریه محرومیت نسبی^۳

این نظریه عامل بروز منازعات قومی را رفتار تبعیض آمیز یک گروه قومی با گروه قومی دیگر می‌داند. شارح این نظریه تد رابرت گار^۴ است. به عقیده وی هویت زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با افراد یک گروه قومی در مقایسه با گروه‌های قومی دیگر، رفتاری تبعیض آمیز صورت گیرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶) بر اساس این نظریه مناقشه قومی زمانی بالا می‌گیرد که

1 - Vanhen

2 - Manty

3. Relative Deprivation Theory.

4-Ted Robert Gurr.

گروه‌های قومی احساس کنند کمتر از آنچه حقشان است، دریافت می‌کنند. در چنین شرایطی گروه‌های سرخورده برای تسکین سرخوردگی ناشی از محرومیت ممکن است به خشونت سیاسی روی بیاورند. نکته مهم در این نظریه این است که نه تنها شرایط مادی یا محرومیت مطلق، بلکه واکنش ذهنی یا روانی در مقابل شرایط است که عنصری تعیین کننده می‌باشد (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۷۵).

مدرنیته و ستیزه‌های قومی

کارل دویچ نظریه پرداز نو سازی معتقد است بسیج اجتماعی به عنوان فرآیند فراگیر تغییر در رابطه با جمعیت غالب کشورهایایی که در حال نو سازی و دگرگونی اجتماعی هستند، تصور می‌شود. مولفه‌های این فرآیند، در وسایل ارتباط جمعی، رشد تحصیلات و سواد عمومی، افزایش تقاضای مشارکت عمومی و... مشخصه‌هایی هستند که جامعه را از شیوه سنتی جدا می‌سازند. دویچ می‌گوید ستیزه قومی محصول پدیده‌ای است که با رقابت بین میزان بسیج اجتماعی و میزان همانند گردی قابل قیاس است. افراد بسیج شده، ولی همگون نشده، شاخص ناخالص ستیزه قومی است (گودرزی، ۱۳۸۵: ۱۴۳). وقتی مردم در نظام سیاسی و اقتصادی نوگرا بسیج شده و از رشد تحصیلات و آگاهی‌های عمومی برخوردار می‌شوند، خواست و انتظار آن‌ها تغییر کرده و خواهان کالای بیشتر، توقع پذیرش در مرتبه بالاتر و کسب قدرت بیشتری هستند که در صورت عدم تحقق و یا سوء گیری نسبت به عدم تحقق آن ممکن است، ممکن است به سمت برجستگی هویت قومی و یا ستیزه گری قومی حرکت کنند.

رابطه تبیین گر هویت ملی با هویت قومی:

بعضی‌ها معتقدند که هویت قومی، نمی‌تواند در راستای هویت ملی قرار گیرد (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۷: ۳). بنا بر این طرز تلقی از هویت قومی، تاکید بر هویت ملی به معنای از بین بردن هویت‌های قومی - یا برعکس - است. اما این تلقی تنها پیش داوری بوده و مبنای علمی ندارد. درست به همین دلیل است که هیچ نظریه‌ای وجود ندارد دال بر اینکه هویت قومی در حالت طبیعی آن، مخالف هویت ملی باشد. بلکه رابطه بین هویت ملی و هویت قومی، بستگی

به مکان قوم، ویژگی‌های هویتی قوم مورد نظر و سیاست‌های قومی اعمال شده و غیره دارد. با این حال مهمترین مساله در رابطه میان هویت قومی و هویت ملی، بیان رابطه‌ای تبیین‌گر میان آنهاست. به طوری که هویت ملی فاصله‌ای تعیین‌کننده با هویت قومی به لحاظ برتری در احساس و افکار مردم داشته باشد (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۷: ۵).

بین هویت ملی و هویت قومی معمولاً سه نوع از رابطه متصور است:

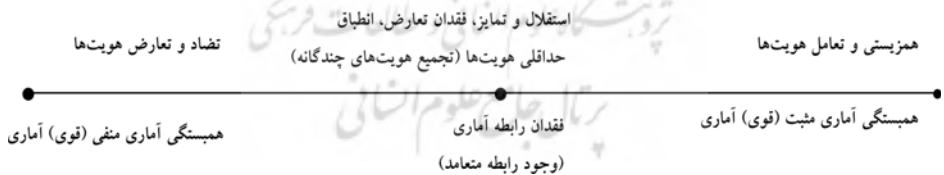
۱- همبستگی معنی دار مثبت رو به افزایش که به معنی هم‌افزایی، تاثیر متداخل و رابطه قوی بین دو نوع هویت است و این تعامل به نحوی است که قوت یک نوع هویت به معنی ضعف نوع دیگر نیست.

۲- همبستگی معنی دار منفی که به معنای تضاد، تعارض، ناهماهنگی و عدم انطباق دو نوع هویت می‌باشد. به عبارتی اگر یک نوع هویت تقویت شود، دیگری تضعیف می‌گردد. و بنابراین امکان همزیستی آنها منتفی است.

۳- فقدان رابطه همبستگی میان دو نوع هویت، به معنی استقلال، عدم ارتباط و تمایز جدی (و نه تضاد) میان آنهاست.

در مجموع سه نقطه اصلی در بررسی طیف روابط میان هویت‌های ملی و قومی قابل بررسی است:

نمودار شماره چهار: طیف تعامل هویت ملی و هویت قومی را بیان می‌کند.



تعلق به هویت‌های چندگانه امری بسیار طبیعی و بدیهی است. به سخن دیگر در حالتی طبیعی اعتقاد همزیستی بین هویت‌ها به معنای عدم تعارض ذاتی میان آنها واقعیت دارد. هر چند معنای همزیستی و تعامل میان انواع هویت‌ها، به معنی حفظ استقلال کامل هر هویت نیست چرا که مانند هر نوع تعاملی، روابط متقابل بر ماهیت طرف مقابل اثرگذار بوده و موجب اعوجاجات، تعدیلهای، تقلیلها و عقب‌نشینی‌هایی در هر دو سوی رابطه متقابل می‌شود، چرا که

در غیر این صورت اصولاً رابطه تعاملی شکل نمی‌گیرد و اساساً همزیستی محقق و موجودیت (بیرونی) نمی‌یابد (حاجیاتی، ۱۳۸۷: ۱۹۱). این مطلب ارتباط هویت قومی با هویت ملی را در این تحقیق پوشش می‌دهد.

روش شناسی تحقیق

روش تحقیق، پیمایشی بوده است. چون هرگاه جامعه مورد نظر از وسعت زیادی برخوردار باشد و دسترسی به تک تک افراد امکان پذیر نباشد و یا اصولاً لزومی هم نداشته باشد، مناسب ترین تکنیک، به کارگیری پیمایش است. در رویکردهای کمی بیشتر روش پیمایشی انتخاب می‌شود. در این تحقیق افراد ۱۸ تا ۵۵ سال تحصیل کرده ساکن شهر اهواز اعم از زن و مرد جامعه آماری هستند. با توجه به نبود آمار رسمی در مورد جمعیت تحصیل کرده عرب شهرستان اهواز، جامعه آماری این تحقیق ۳۰۰ نفر تعیین شد که از بین ۳۰۰ برگه پرسشنامه پخش شده، ۲۳۰ عدد برگشت شده که مبنایی تحلیل این پژوهش قرار گرفته است. داده‌های این تحقیق در اردیبهشت ۱۳۹۱ توسط پرسشنامه و به صورت نمونه گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای جمع آوری شده‌اند. ابزار گرد آوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه بسته است. پرسش نامه به کار گرفته شده ترکیب یک سری از گویه‌هایی بود که بر اساس طیف لیکرت ساخته شده بودند. به نظر میلر طیف لیکرت یک مقیاس تجمعی متشکل از یک رشته گویه است. پاسخگویان موافقت یا مخالفت خود را با هر گویه بر روی یک مقیاس فشرده مشخص می‌کنند. تکنیک لیکرت مقیاس ترتیبی به بار می‌آورد. این مقیاس تحت شرایطی پایایی بالایی دارد. نمره مقیاس شامل اندازه گیری شدت نگرش ابراز شده در تمام گویه‌ها است. (میلر، ۱۳۸۰: ۲۰۸). لذا این طیف برای بسیاری از تحقیقات میدانی وسیع، در علوم اجتماعی و خصوصاً در جامعه شناسی، مناسب و قابل استفاده است و می‌توان به وسیله آن انواع گرایش‌های سیاسی، مذهبی، نژادی، شغلی و... را سنجید (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۲۶۱).

۲۸.۲ درصد جامعه آماری این تحقیق را زنان و ۶۱.۷ درصد آن را مردان تشکیل می‌دهند. از نظر سطح تحصیلات این جامعه آماری بالاترین فراوانی مربوط به تحصیلات لیسانس با حدود ۸۷.۷ درصد و کمترین فراوانی مربوط به تحصیلات دکتری با ۰.۴ درصد می‌باشد.

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت که افراد نمونه از سطح تحصیلات قابل قبولی برخوردار هستند.

یافته‌های تحقیق:

یافته‌های توصیفی:

در ابتدا به یافته‌های توصیفی متغیرهای مهم تحقیق؛ یعنی محرومیت نسبی، هویت ملی و هویت قومی می‌پردازیم که به صورت ذیل هستند.

آمار مربوط به محرومیت نسبی

متغیر احساس محرومیت نسبی در این تحقیق به وسیله هشت گویه سنجیده شده است. با توجه به این که برای بیشترین احساس محرومیت نسبی، نمره ۵ و برای کمترین احساس محرومیت نسبی نمره ۱ را در نظر گرفتیم، حداقل نمره‌ای که برای این متغیر می‌توانست به دست بیاید، نمره ۸ و حداکثر عدد ۴۰ بوده است. با این حال بر اساس جدول شماره ۵، میانگین بدست آمده برای این طیف در نمونه آماری، رقم ۲۸.۴۵ را نشان می‌دهد. که حاکی از وجود احساس محرومیت نسبی در میان پاسخگویان است. البته این مقدار در برابر تحقیق مشابه‌ای که در سال ۱۳۸۶ در میان عرب‌های استان خوزستان صورت گرفته (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۶: ۱۵۴) حدود ۵ درصد پایین‌تر بوده است. این کاهش احساس محرومیت نسبی می‌تواند ناشی از دو دلیل باشد. یکی اینکه این پژوهش در میان تحصیلکردگان قوم عرب صورت گرفته و با توجه به اینکه ممکن است نوع نگاه و بینش تحصیلکردگان عرب به خود، دیگر اقوام ایرانی و حتی به نظام سیاسی متفاوت باشد، می‌تواند دلیل این کاهش باشد و دیگری اقداماتی که در دولت در زمینه‌های مختلف رفاهی و معیشتی مردم انجام داده از جمله اجرای طرح هدف مندی یارانه‌ها، گاز رسانی و آبرسانی به مناطق حاشیه‌ای و محروم در استان و... می‌تواند توجه‌گر این کاهش احساس محرومیت نسبی باشد.

جدول شماره ۱: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر محرومیت نسبی

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	واریانس	حداقل	حداکثر
محرومیت نسبی	۲۸.۴۵	۲۸	۲۹	۵.۷۹۵	۳۳.۵۷۶	۸	۴۰

جدول زیر توزیع فراوانی پاسخ گویان بر اساس احساس محرومیت نسبی نشان داده است. طبق داده‌های این جدول، گویه "مناطق عرب نشین نسبت به مناطق دیگر امکانات کمتری دارند" با ۸۵.۷ درصد کاملاً موافق و موافق بیشترین گرایش به احساس محرومیت نسبی در میان عرب‌ها را نشان می‌دهد. گویه "امکانات این منطقه جهت آباد کردن این منطقه به کار نمی‌رود" با ۷۹.۱ درصد کاملاً موافق و موافق، دومین گویه‌ای است که نشانگر محرومیت نسبی در میان عرب‌هاست.

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر اساس محرومیت نسبی

گویه	کاملاً موافق	موافق	نظری ندارم	مخالف	کاملاً مخالف	جمع
۱. مناطق عرب نشین نسبت به مناطق دیگر امکانات کمتری دارند	۶۰.۹	۲۴.۸	۵.۲	۵.۷	۱.۳	۱۰۰.۰
۲. مردم فارس زبان در برخورد با ما هیچ تبعیضی قائل نمی‌شوند	۱۱.۳	۲۷.۸	۱۷.۴	۲۴.۸	۱۸.۷	۱۰۰.۰
۳. امکانات این منطقه جهت آباد کردن این منطقه به کار نمی‌رود	۵۵.۲	۲۳.۹	۱۵.۷	۲.۶	۲.۶	۱۰۰.۰
۴. در کل کشور محرومیت و کاستی وجود دارد که به عرب بودن ربطی ندارد	۳۰.۹	۲۷	۱۸.۳	۱۳.۵	۱۰.۴	۱۰۰.۰
۵. امروز در ایران دیگران زندگی بهتری نسبت به عرب‌ها دارند	۳۴.۸	۲۶.۱	۱۴.۳	۱۸.۳	۶.۵	۱۰۰.۰
۶. بطور کلی می‌توان گفت عرب‌ها در ایران مورد تبعیض قرار می‌گیرند	۳۳	۲۹.۶	۲۰.۹	۱۰.۴	۶.۱	۱۰۰.۰
۷. پست‌ها و مدیریت‌ها به نسبت عادلانه‌ای بین قومیت‌های مختلف تقسیم شده است	۱۴.۸	۱۳.۵	۱۲.۲	۲۵.۷	۳۳.۹	۱۰۰.۰
۸. ما حتی در انتخاب اسم فرزندانمان هم آزاد نیستیم	۳۹.۶	۱۵.۲	۸.۳	۱۴.۸	۲۲.۲	۱۰۰.۰

هویت قومی

با توجه به جدول شماره سه، حداقل نمره گرایش به هویت قومی را ۱۵ و حداکثر آن با عدد ۷۵ مشخص شده است، میانگین نمره بدست آمده برای این طیف در این نمونه آماری، رقم ۴۷.۳۱ را نشان می‌دهد. که به نوعی حاکی از وجود گرایش به هویت قومی از متوسط به بالا در میان پاسخگویان است.

جدول شماره ۳: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر هویت قومی

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	واریانس	حدقل	حداکثر
هویت قومی	۴۷.۳۱	۴۵.۵۰	۴۲	۱۱.۰۹۱	۱۲۳.۰۱۸	۱۵	۷۵

توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر اساس هویت قومی

جدول زیر توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر اساس هویت قومی را نشان می‌دهد. گویه‌های اول تا پنجم، مربوط به سنجش هویت قومی در بعد اجتماعی است. گویه‌های ششم تا دهم مربوط به سنجش هویت قومی در بعد سیاسی است و بالاخره گویه‌های یازدهم تا پانزدهم مربوط به سنجش هویت قومی در بعد فرهنگی هستند. گویه «من خوشحالم از اینکه می‌بینم مردم عرب روز به روز به حقوق خود آگاه تر می‌شوند» با ۸۹.۱ درصد کاملاً موافق و موافق‌ترین گرایش به هویت قومی عرب‌ها را نشان می‌دهد. و بعد از آن گویه «انتخاب دوست عرب و غیر عرب برایم فرقی نمی‌کند» با ۸۱.۷ درصد در جایگاه دوم قرار دارد.

جدول شماره ۴: توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر اساس هویت قومی

گویه	کاملاً موافق	نسبتاً موافق	بی‌نظر	نسبتاً مخالف	کاملاً مخالف	جمع
۱. من خودم را اول یک ایرانی می‌دانم بعد یک عرب	۵۵.۲	۹.۱	۱۳.۵	۸.۷	۱۱.۵	۱۰۰.۰
۲. یک عرب فقط باید با یک عرب ازدواج کند	۱۶.۵	۹.۶	۱۴.۸	۱۸.۷	۴۰.۴	۱۰۰.۰
۳. داشتن یک زندگی خوب و مناسب برای من مهمتر از پرداختن به مسائل قومی است.	۵۴.۳	۱۸.۷	۱۰.۰	۷.۸	۹.۱	۱۰۰.۰

۱۰۰.۰	۶.۱	۴.۸	۷.۴	۲۰.۰	۶۱.۷	۴. انتخاب دوست عرب و غیر عرب برایم فرقی نمی‌کند
۱۰۰.۰	۲۰.۴	۱۳.۹	۲۱.۷	۱۹.۶	۲۴.۳	۵. من در انتخاب محل سکونت من مناطق عرب نشین را ترجیح می‌دهم
۱۰۰.۰	۱۶.۵	۱۳.۹	۲۷.۰	۱۷.۴	۲۵.۲	۶. در انتخابات مانند مجلس و شوراها باید سعی کنم نمایندگان عرب را انتخاب کنم
۱۰۰.۰	۱۸.۳	۱۴.۳	۱۸.۷	۱۷.۸	۳۰.۹	۷. پرداختن به مطالبات قومی چیز بیهوده‌ای است و باید به تدریج به سمت فرهنگ رسمی کشور حرکت کنیم
۱۰۰.۰	۸.۷	۸.۳	۲۸.۷	۱۸.۳	۳۶.۱	۸. علاوه بر احزاب ملی سیاسی باید احزاب محلی که به مطالبات قومی توجه دارند نیز تشکیل شود
۱۰۰.۰	۲.۶	۰.۴	۷.۸	۲۱.۳	۶۷.۸	۹. من خوشحالم از اینکه می‌بینم مردم عرب روز به روز به حقوق خود آگاه‌تر می‌شوند
۱۰۰.۰	۲۲.۲	۲۰.۹	۲۷.۸	۱۷.۰	۱۲.۲	۱۰. نظام سیاسی کشور مطالبات عرب‌ها را جدی می‌گیرد
۱۰۰.۰	۱۳.۹	۲۱.۳	۲۷.۰	۲۰.۰	۱۷.۸	۱۱. من دیدن فیلم‌های عربی را به فارسی ترجیح می‌دهم
۱۰۰.۰	۵۲.۲	۱۹.۱	۱۱.۳	۶.۵	۱۰.۹	۱۲. احتیاجی نیست فرزندانمان از زمان کودکی عربی یاد بگیرند
۱۰۰.۰	۱۰.۹	۲۰.۴	۱۶.۵	۲۱.۳	۳۰.۹	۱۳. من همیشه سعی می‌کنم به زبان عربی صحبت کنم تا فارسی
۱۰۰.۰	۴۸.۳	۲۱.۳	۱۵.۷	۷.۰	۷.۸	۱۴. ایجاد مراکز فرهنگی که در آنها شعر و ادب و موسیقی عربی آموزش می‌دهند چندان ضروری نیست.
۱۰۰.۰	۶.۵	۳.۹	۱۴.۳	۱۷.۴	۵۷.۸	۱۵. ما عرب‌ها دارای فرهنگ خاص خود هستیم پس باید برای رشد و تعالی آن بکوشیم

هویت ملی

با توجه به جدول شماره نه، حداقل نمره گرایش به هویت ملی را ۱۲ و حداکثر آن با عدد ۶۰ مشخص شده است، میانگین نمره بدست آمده برای این طیف در این نمونه آماری، رقم ۴۰.۶۷ را نشان می‌دهد. که به نوعی حاکی از وجود گرایش بالا به هویت ملی در میان پاسخگویان است.

جدول شماره ۵: آماره‌های توصیفی مربوط به متغیر هویت ملی

نام متغیر	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	واریانس	حدقل	حداکثر
هویت ملی	۴۰.۶۷	۴۲	۳۷	۹.۵۹۵	۹۲.۰۵۸	۱۲	۶۰

توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر اساس هویت ملی:

جدول زیر توزیع فراوانی پاسخگویان بر اساس هویت ملی را نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول مشاهده می‌شود، گویه « من سرزمین ایران را وطن خود می‌دانم » با ۸۰ درصد کاملاً موافق و موافق بیشترین گرایش به هویت ملی در میان عرب‌ها را به خود اختصاص داده است. این در حالی است که گویه « من همیشه سعی می‌کنم به زبان فارسی صحبت کنم » با ۲۳.۹ درصد کمترین مقدار گرایش به هویت ملی در میان عرب‌ها را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶: توزیع فراوانی درصد پاسخگویان بر اساس هویت ملی

گویه	کاملاً موافق	نسبتاً موافق	بی‌نظر	نسبتاً مخالف	کاملاً مخالف	جمع
۱. من همیشه سعی می‌کنم به زبان فارسی صحبت کنم تا عربی	۱۰.۰	۱۳.۹	۱۶.۵	۳۱.۷	۲۷.۸	۱۰۰.۰
۲. من با دیدن پرچم ایران در مجامع بین‌المللی احساس سربلندی می‌کنم.	۵۴.۸	۱۹.۶	۱۶.۵	۲.۲	۷.۰	۱۰۰.۰
۳. اگر امکان داشت کشور دیگری را برای زندگی انتخاب می‌کردم	۲۴.۳	۱۵.۷	۱۹.۱	۸.۷	۳۲.۲	۱۰۰.۰

۱۰۰.۰	۱۰.۹	۲.۲	۱۸.۷	۱۷.۸	۵۰.۴	۴. من به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم
۱۰۰.۰	۲۰.۴	۱۰.۹	۲۲.۲	۱۲.۲	۳۴.۳	۵. عید نوروز یکی از بهترین اعیاد ما ایرانیان است.
۱۰۰.۰	۷.۰	۸.۳	۲۱.۷	۱۹.۶	۴۳.۵	۶. شنیدن سرود ج.ا.ا در من احساس شور و شوق به وجود می‌آورد.
۱۰۰.۰	۱۰.۴	۳.۵	۱۷.۸	۲۲.۶	۴۵.۷	۷. مشاهیری چون حافظ، فردوسی و مولوی مایه افتخار ما هستند.
۱۰۰.۰	۴.۸	۲.۶	۱۲.۶	۱۷.۴	۶۲.۶	۸. من سرزمین ایران را وطن خود می‌دانم
۱۰۰.۰	۲۴.۳	۱۱.۷	۲۰.۹	۲۵.۷	۱۷.۴	۹. گاهی اوقات از زندگی بین مردم ایران احساس ناراحتی می‌کنم.
۱۰۰.۰	۱۴.۸	۱۷.۸	۲۳.۹	۲۴.۸	۱۸.۷	۱۰. صحبت کردن به زبان فارسی برای من دلنشین و شیرین است.
۱۰۰.۰	۱۴.۳	۱۶.۵	۲۷.۰	۱۷.۰	۲۵.۲	۱۱. تماشای تلویزیون‌های ملی و استانی را بر دیگر شبکه‌ها ترجیح می‌دهم.
۱۰۰.۰	۱۲.۲	۹.۱	۱۳.۰	۳۰.۹	۳۴.۸	۱۲. شبکه‌های رایوی، تلویزیونی و ماهواره‌ای خارجی را تماشا می‌کنم.

آزمون رگرسیون داده‌ها برای بررسی فرضیه‌های تحقیق:

با توجه به اینکه سطح سنجش متغیرها در سطح رتبه‌ای بوده، برای بررسی فرضیه‌ها از آزمون رگرسیون ساده استفاده شده که نتایج این آزمون در جدول زیر قابل مشاهده است.

جدول شماره ۷: نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها (رگرسیون ساده)

فرضیه	R	R2	adj.R2	خطای استاندارد	B	ضریب beta	t	سطح معناداری
فرضیه اول	۰.۵۵۰	۰.۳۰۳	۰.۳۰۰	۸.۰۲۹	-۰.۹۱۱	-۰.۵۵۰	-۹.۹۵۰	۰
فرضیه دوم	۰.۵۷۰	۰.۳۲۵	۰.۳۲۲	۴.۷۷۲	۰.۲۹۸	۰.۵۷۰	۱۰.۴۷۱	۰
فرضیه سوم	۰.۸۰۰	۰.۸۰۱	۰.۸۰۰	۲.۵۹۲	۱.۴۹۱	۰.۸۰۰	۳۰.۲۷۶	۰
فرضیه چهارم	۰.۴۷۸	۰.۲۲۸	۰.۲۲۵	۵.۱۰۱	۰.۵۸۸	۰.۴۷۸	۸.۲۱۴	۰
فرضیه پنجم	۰.۷۰۷	۰.۶۳۶	۰.۶۳۴	۳.۵۰۵	۰.۹۸۶	۰.۷۰۷	۱۹.۹۴۹	۰

در این جدول ستون اول مقدار آماره R است که بیانگر مقدار همبستگی دو متغیر است. دامنه تغییرات این آماره از صفر تا یک است. بدین ترتیب که رقم صفر بیانگر هیچ گونه ارتباط و رقم ۱ بیانگر ارتباط کامل بین دو متغیر است که البته در سطح عمل این دو مقدار هرگز بدست نمی آید. بنابراین در این پژوهش رقم بالای ۰.۵ را نشانگر همبستگی قوی بین دو متغیر و مقدار ۰.۱ نیز همبستگی ضعیف را نشان می دهد که تقریباً زیر این مقدار فرضیه ثابت نمی شود. مقدار R^2 نشان می دهد که چه مقدار از واریانس متغیر وابسته توسط متغیر مستقل تبیین و پیش بینی شده است. آماره $adj. R^2$ نشان می دهد که متغیر مستقل توسط چه مقدار از واریانس متغیر وابسته را در کل جامعه آماری تبیین کرده است. انحراف استاندارد بیانگر مقدار پراکنندگی پاسخها از میانگین است. آماره B یا ضریب B نشان می دهد که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر مستقل، متغیر وابسته چه تغییری می کند. ضریب β نشانگر جهت رابطه بین دو متغیر است. اگر منفی بود، جهت دو متغیر معکوس و چنانچه مثبت بود، جهت رابطه بین دو متغیر مستقیم است و با افزایش متغیر مستقل، متغیر وابسته نیز افزایش می یابد. و بالاخره اینکه سطح معناداری نیز تایید یا رد فرضیه را نشان می دهد. در ذیل فرضیه های پژوهش را مورد بررسی قرار می دهیم.

فرضیه ۱: بین احساس محرومیت نسبی و هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد:

توجه به مقدار R (۰.۵۵۰) و سطح معناداری (۰.۰۰۰) میان دو متغیر مورد نظر، حاکی از این است که بین دو متغیر مستقل محرومیت نسبی و هویت ملی رابطه معنادار و مستحکمی وجود دارد. ضریب β منفی (۰.۵۵۰-) حاکی از وجود رابطه منفی بین متغیر مستقل و وابسته است به این معنی که تغییرات محرومیت نسبی در هویت ملی تغییرات عکس ایجاد می کند. مقدار B در جدول بالا نشان دهنده این است که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر محرومیت نسبی حدود ۰.۹۱۱- گرایش به هویت ملی در میان آن ها کاهش می یابد. که این میزان تغییر قابل تامل است.

فرضیه ۲: بین محرومیت نسبی و هویت قومی رابطه معناداری وجود دارد.

مقدار R (۰.۵۷۰) سطح معناداری (۰.۰۰۰) میان دو متغیر مورد نظر، نشان دهنده این است که بین دو متغیر مستقل محرومیت نسبی و هویت قومی رابطه معنادار و مستحکمی وجود دارد. ضریب β (۰.۵۷۰) در میان این دو متغیر حاکی از وجود رابطه مثبت بین آن‌ها می‌باشد، به این معنی که تغییرات محرومیت نسبی در هویت قومی، تغییرات مثبت ایجاد می‌کند، مقدار B در جدول بالا نشان دهنده این است که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر محرومیت نسبی حدود ۰.۲۹۸ گرایش به هویت قومی در میان آن‌ها افزایش می‌یابد.

فرضیه ۳: بین محرومیت نسبی و هویت قومی در بعد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد. ۱د

یافته‌های بدست آمده از آزمون این فرضیه و با در نظر گرفتن مقدار R (۰.۸۰۰) و سطح معناداری (۰.۰۰۰)، وجود رابطه‌ای قوی بین این دو متغیر را تایید می‌کند. مثبت بودن ضریب β (۰.۸۰۰) نشان می‌دهد که ارتباط این دو مستقیم است. مقدار B در جدول فوق نشان دهنده این است که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر محرومیت نسبی حدود ۱.۴۹۱ گرایش به هویت قومی در بعد اجتماعی در میان آن‌ها افزایش می‌یابد. بالا بودن کمیت‌هایی چون R و R^2 نشان دهنده رابطه‌ای بسیار قوی بین این دو متغیر است.^۱

فرضیه ۴: بین محرومیت نسبی و هویت قومی در بعد فرهنگی رابطه معناداری وجود دارد.

با توجه به سطح معناداری آزمون این فرضیه (۰.۰۰۰) رابطه بین این متغیرها نیز تایید می‌گردد. مثبت بودن ضریب β (۰.۴۷۸) از مستقیم بودن رابطه بین دو متغیر حکایت می‌کند. بالا بودن کمیت‌هایی چون R و R^2 نشان دهنده رابطه قوی بین آن‌هاست. مقدار B در جدول فوق نشان دهنده این است که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر

۱ - توضیح داده شود. که هویت قومی از بعد اجتماعی از زمان‌های قدیم در میان عرب‌ها در استان خوزستان وجود داشته است.....

محرومیت نسبی حدود ۰.۵۸۸ گرایش به هویت قومی در بعد فرهنگی در میان آن‌ها افزایش می‌یابد.

فرضیه ۵: بین محرومیت نسبی و هویت قومی در بعد سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

سطح معناداری بدست آمده در آزمون این فرضیه (۰.۰۰۰) نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین متغیر وابسته هویت قومی در بعد سیاسی و متغیر مستقل محرومیت نسبی وجود دارد. ضریب β (۰.۷۰۷) مثبت است که نشان دهنده رابطه مستقیم بین دو متغیر فوق است. به عبارت دیگر با افزایش محرومیت نسبی هویت قومی در بعد سیاسی نیز افزایش می‌یابد. همانند فرضیه‌های قبلی بالا بودن کمیت‌هایی چون R و R^2 در این فرضیه نشان دهنده رابطه قوی بین متغیرهای آن است. مقدار B در جدول فوق نشان دهنده این است که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر محرومیت نسبی حدود ۰.۹۸۶ گرایش به هویت قومی در بعد سیاسی در میان آن‌ها افزایش می‌یابد.

تحلیل چند متغیره

برای تحلیل چند متغیره، از آزمون رگرسیون چند متغیره گام به گام استفاده شده است. بدین منظور، انواع هویت‌های قومی به انضمام متغیر احساس محرومیت نسبی را به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفتیم و اثر این متغیرها را بر هویت ملی به عنوان متغیر وابسته مورد سنجش قرار دادیم. همانگونه که از جدول شماره ۹ بر می‌آید مقدار R برابر ۰.۷۵۵ می‌باشد که بیانگر وجود همبستگی بالا میان متغیرهای مستقل با متغیر وابسته است. همچنین مقدار R^2 آن برابر ۰.۵۷۰ می‌باشد به این معنی که تمامی متغیرهای مستقل این پژوهش حدود ۰.۵۷ درصد از واریانس متغیر هویت ملی را تبیین می‌کنند.

جدول شماره ۸ نتایج آزمون تحلیل رگرسیون چند متغیره درباره عوامل موثر بر هویت ملی:

Sig	S.E	R ² adj	R ²	R	Method=septwise
۰.۰۰۴	۶.۳۴۴	۰.۵۶۳	۰.۵۷۰	۰.۷۵۵	روش: ورود متغیرها به صورت گام به گام

جدول شماره ۹: عناصر متغیرهای مستقل ناآثیر گذار بر متغیر وابسته هویت ملی

متغیرهای مستقل	انحراف معیار	B	ضریب beta	t	سطح معناداری
هویت قومی در بعد سیاسی	۰.۲۲۲	-۱.۳۴۵	-۰.۶۵۷	-۶.۰۴۶	۰.۰۰۰
هویت قومی در بعد فرهنگی	۰.۱۲۷	-۰.۵۷۳	-۰.۲۸۱	-۴.۵۱۵	۰.۰۰۰
هویت قومی در بعد اجتماعی	۰.۳۴۰	-۱.۲۱۳	-۰.۴۴۰	-۳.۵۶۵	۰.۰۰۰
محرومیت نسبی	۰.۲۸۲	-۰.۸۳۰	-۰.۵۰۱	-۲.۹۴۴	۰.۰۰۴

داده‌های جدول فوق بیانگر این موضوع است که هویت قومی در ابعاد سه گانه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی در میان عرب‌های تحصیلکرده ساکن شهر اهواز رابطه بسیار قوی و معکوسی با گرایش به هویت ملی در میان آن‌ها دارد. به گونه‌ای که ضریب Beta میان این سه مولفه با هویت ملی به ترتیب برابر ۰.۶۵۷، ۰.۷۸۱ و ۰.۴۴۰ می‌باشد. مقدار B در جدول بالا نشان دهنده این است که با افزایش هر واحد تغییر در متغیر هویت قومی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، گرایش به هویت ملی به ترتیب به میزان ۱.۳۴۵، ۰.۵۷۳ و ۱.۲۱۳ کاهش می‌یابد. این مساله در پژوهش‌های قبلی نیز اثبات شده است. (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۶: ۱۵۵). با این تفاوت که مقدار B در تحقیق نواح و تقوی نسب برای پیش بینی رابطه میان هویت قومی در ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی با هویت ملی نسبت به تحقیق حاضر در سطح پایین تری قرار دارند. (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۶: ۱۵۹).

آزمون تحلیل مسیر

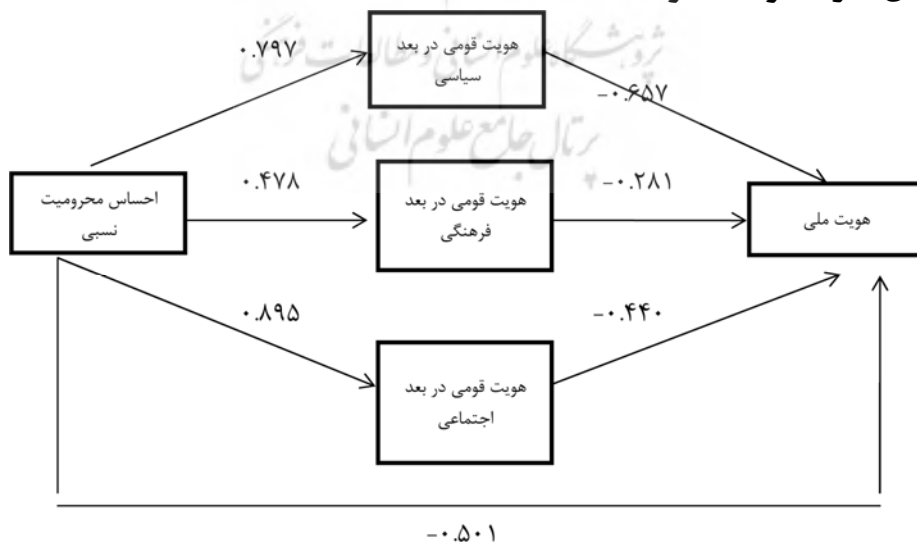
برای تحلیل مسیر متغیرهای تحقیق ابتدا ماتریس همبستگی بین متغیرهای تحقیق را رسم

می‌کنیم تا میزان همبستگی بین متغیرهای تحقیق را به صورت ماتریسی نشان دهیم که نتایج آن در جدول زیر گزارش شده است.

جدول شماره ۱۱: ماتریس همبستگی بین مولفه‌های اصلی این پژوهش

هویت ملی	هویت قومی در بعد اجتماعی	هویت قومی در بعد فرهنگی	هویت قومی در بعد سیاسی	محرومیت نسبی	
				۱	احساس محرومیت نسبی
			۱	**۰.۷۹۷ ۰.۰۰۰	هویت قومی در بعد سیاسی
		۱	**۰.۶۷۳ ۰.۰۰۰	**۰.۴۷۸ ۰.۰۰۰	هویت قومی در بعد فرهنگی
	۱	**۰.۳۸۶ ۰.۰۰۰	**۰.۵۶۳ ۰.۰۰۰	**۰.۸۹۵ ۰.۰۰۰	هویت قومی در بعد اجتماعی
۱	** -۰.۴۷۰ ۰.۰۰۰	** -۰.۶۵۴ ۰.۰۰۰	** -۰.۶۹۴ ۰.۰۰۰	** -۰.۵۵۰ ۰.۰۰۰	هویت ملی

مدل نظری مورد آزمون



همانگونه که در مشاهده می‌شود، احساس محرومیت نسبی، هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیر مستقیم و از طریق انواع هویت‌های قومی، با هویت ملی ارتباط معناداری دارد. انواع هویت‌های قومی نیز ارتباط معنادار و معکوسی با هویت ملی دارند. اگر بنا به دلایلی رابطه همبستگی مثبت و معنادار میان هویت قومی با هویت ملی در میان قومیت عرب تضعیف شده به گونه‌ای که به سمت همبستگی معنی دار منفی که به معنای تضاد، تعارض، ناهماهنگی و عدم انطباق دو نوع هویت است، حرکت کند، به عبارتی اگر یک نوع هویت قومی تقویت شود که با هویت ملی در تعارض باشد، حتماً در بلند مدت پیامدهای سیاسی و امنیتی خاصی را برای همبستگی ملی و انسجام سیاسی و اجتماعی کشور در این منطقه به دنبال خواهد داشت. لذا توجه به این مساله و آسیب شناسی آن برای جلوگیری از رشد بی رویه هویت قومی در میان عرب‌های استان خوزستان ضروری به نظر می‌رسد.

تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

نتایج حاصل از تحقیق حاکی از این است که اولاً؛ احساس محرومیت نسبی (واقعی یا خیالی) و هویت قومی در میان عرب‌های استان خوزستان متوسط به بالا است (جدول‌های شماره ۱، ۲، ۳ و ۴) که پژوهش‌های قبلی نیز این موضوع را مورد تایید قرار می‌دهند (نواح و تقوی نسب، ۱۳۸۶: ۱۵۵) و (نواح، قیصری و دیگران، ۱۳۸۹: ۶۴). ثانیاً؛ این احساس محرومیت نسبی با گرایش به هویت ملی عرب‌های استان خوزستان رابطه معکوسی داشته به گونه‌ای که R آن برابر ۰.۵۰۵، R^2 آن برابر ۰.۳۰۳، ضریب Beta آن (-۰.۵۰۵) و سطح معناداری آن صفر است. (جدول شماره ۷) یعنی هر چه که این احساس محرومیت نسبی در میان آن‌ها بالا رود، تاثیر منفی بر روی گرایش به هویت ملی عرب‌های استان خوزستان خواهد داشت. همچنین این احساس محرومیت نسبی رابطه معنادار قوی و مستقیمی با گرایش به هویت قومی در میان قومیت عرب استان خوزستان دارد. به گونه‌ای که R آن برابر ۰.۵۷۰ و R^2 آن برابر ۰.۳۶۵ و سطح معناداری آن صفر است. یعنی هر چه که احساس محرومیت نسبی واقعی و یا خیالی در میان قومیت عرب استان خوزستان افزایش یابد، رشد و یا تشدید هویت قومی در میان آن‌ها را در پی خواهد داشت. ثانیاً؛ محرومیت نسبی با هویت قومی در بعد اجتماعی،

فرهنگی و سیاسی عرب‌های استان خوزستان رابطه معنادار و مستقیمی دارد. یعنی به مراتبی که محرومیت نسبی در میان آن‌ها افزایش یابد، تاثیر مستقیمی بر هویت قومی در ابعاد ذکر شده خواهد داشت (جدول شماره ۷).

از آنجایی که افزایش بی رویه هویت قومی (تشدید هویت قومی) در میان یک قوم، اثرات و پیامدهای سوئی برای امنیت و ثبات یک کشور دارد؛ باید اذعان کرد که گرایش به هویت قومی در میان عرب‌های استان خوزستان در دو دهه اخیر بنا به دلایلی به صورت تدریجی در حال افزایش بوده به گونه‌ای که ادامه آن در درازمدت پیامدهای ناامنی برای نظام و کشور در پی خواهد داشت (کریم زاده، ۱۳۸۸: ۲۵۴-۱۸۹) تحقیقات قبلی که در این زمینه از سال ۱۳۸۰ الی ۱۳۸۷ در این زمینه صورت گرفته، بیانگر این موضوع است که هویت قومی در میان عرب‌های استان خوزستان در حال افزایش بوده و دو پیامد مهم یعنی کاهش گرایش به هویت ملی و افزایش خواسته‌ها و مطالبات قومی از نظام (قانونی و غیر قانونی) را در پی داشته است (کریم زاده، ۱۳۸۸: ۲۶۸-۲۵۸) به طور کلی، برخی از نتایج این تحقیق (رابطه معکوس هویت قومی و هویت ملی، هم در تحلیل دو متغیره و در تحلیل چند متغیره) نشان می‌دهد که عواملی موجب شده‌اند تا امروز شاهد آن باشیم توازی تقویت هویت قومی اعراب با هویت ملی ایران در این منطقه دچار اختلال شود. به گونه‌ای که نتایج این پژوهش رشد هر چه بیشتر هویت قومی البته در میان تحصیلکردگان عرب استان خوزستان را نشان می‌دهد و این بیان کننده این موضوع است که مجموعه اقدامات خوب دولت نهم و دهم در چند سال اخیر، نتوانسته احساس محرومیت نسبی میان تحصیلکردگان عرب استان خوزستان را کاهش داده و افکار عمومی مردم را قانع سازد. البته ممکن است نتایج این اقدامات خیلی برای مردم ملموس نبوده و با تبلیغات رسانه‌ای لازم و کافی در این زمینه صورت نگرفته و مردم در جریان خدمات ارائه شده در چند سال اخیر قرار نگرفته‌اند.

برای مدیریت مسائل و مشکلات ناشی از احساس محرومیت نسبی و تشدید هویت قومی و کاهش آسیب پذیری‌های ناشی از آن در میان عرب‌های استان خوزستان به چند پیشنهاد و راهکار اشاره می‌شود.

- چون محرومیت نسبی یکی از علل اصلی تشدید هویت قومی بوده، لذا دولت اسلامی،

باید اقدام‌هایی انجام دهد تا احساس محرومیت نسبی در بعد اقتصادی، سیاسی و حتی فرهنگی اجتماعی در میان عرب‌ها کاهش یابد. دولت بایستی به سرعت مشکلات اقتصادی و معیشتی مردم نظیر برطرف کردن مساله آب، گاز، بیکاری فزاینده جوانان و... در استان را حل کند. اینها گام‌هایی هستند که دولت برای رفع مساله قومیت‌ها از جمله در مورد قوم عرب می‌تواند انجام دهد.

- اختصاص بودجه محرومیت زدایی، بخصوص اختصاص ۳ درصد از پول حاصل از فروش نفت به مناطق محروم از طرف دولت، می‌تواند بسیاری از نابسامانی‌هایی که منشا نارضایتی مردم و همزمان سوء استفاده نخبگان قومی از این مسائل است، را از بین ببرد. یکی دیگر از راههای حل مساله محرومیت در استان، حمایت دولت از سرمایه‌گذاری خصوصی در این منطقه است که در حال حاضر به کندی صورت می‌گیرد.

- از آنجایی که حدود ۶۵ درصد از جامعه آماری این پژوهش بیان کرده‌اند که تلویزیون‌های ماهواره‌ای خارجی را تماشا می‌کنند و فقط ۴۲ درصد اظهار کرده‌اند از رادیو و تلویزیون داخلی استفاده می‌کنند (جدول شماره ۶)، ارتقاء کیفی برنامه‌های عرب زبان شبکه استانی خوزستان در راستای تقویت هویت ملی در میان اقوام موجود در استان و کاهش تبعات منفی رسانه‌های ارتباطی نوین امروزی امری بسیار ضروری است.

- برگزاری همایش‌ها و برنامه‌هایی برای نزدیکی اقوام مختلف در استان خوزستان به همدیگر یک ضرورتی حیاتی است. که برای این کار اگر یک نهادی رسمی متولی آن گردد، امکان موفقیت بیشتری دارد.

- بازنگری مفهوم هویت ملی در کتاب‌های درسی و تاکید بیشتر بر عناصر ایرانی آن یکی از راهکارهایی است که باید توجه جدی به آن صورت بگیرد. در برنامه‌های درسی معاصر گرچه بر هویت ملی تاکیداتی دیده می‌شود، اما مفهوم هویت ملی در این موضوعات درسی به معنای اخص کلمه نیست، بلکه چون واجد جنبه‌های سنتی برگرفته از تاریخ اسلام است، در میان اعراب به رشد باورهای سنتی می‌انجامد، تا تشکیل هویت ملی بنابراین، مفهوم هویت ملی ایرانی در کتب درسی، ناقص است و در اعراب معادل مفهوم هویت قومی است.

منابع

- آنتونی، اسمیت، (۱۳۷۷). منابع قومی ناسیونالیزم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، پیش شماره اول.
- تقوی نسب، سید مجتبی، (۱۳۸۶). بررسی عوامل داخلی موثر بر هویت قومی و هویت ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشگاه شیراز.
- حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۸۷). بررسی منابع هویت ایرانی، پایان نامه دکتری، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، مردادماه ۱۳۸۷.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۷۸). کند کاوها و پنداشته‌ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- رضائزاد، الهام، (۱۳۸۵). رویکرد سیاسی دولت ج.ا. ایران نسبت به تحرکات قومی عرب در خوزستان (۱۳۸۴-۱۳۸۵)، پایان نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- زندى، ابراهیم، (۱۳۸۰). «بحران قومی و وحدت ملی: الگوی سیاست قومی در ج.ا.ا.»، فصلنامه فرهنگ اندیشه، سال اول، شماره سوم و چهارم.
- کریم زاده، علی، (۱۳۸۸). چالش‌های هویتی در استان خوزستان و تأثیر آن بر بروز مسائل امنیتی (با نگاهی به قومیت عرب)، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علامه طباطبایی.
- قاسمی، م. (۱۳۸۱). درآمدی بر پیدایش مسائل قومی در جهان سوم، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال پنجم، شماره اول.
- گودرزی حسین، (۱۳۸۵). مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی، موسسه مطالعات ملی، تهران.
- گل محمدی، احمد. (۱۳۸۱). جهانی شدن فرهنگ و هویت، نشر نی، تهران.
- مقصودی، مجتبی، (۱۳۸۰). تحولات قومی در ایران (علل و زمینه‌ها)، موسسه مطالعات ملی، تهران.
- نواح، عبدالرضا، (۱۳۸۳). قوم عرب، حاشیه نشینی و معضلات فرهنگی، واگرایی یا همگرایی، اهواز: اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان.

نواح، عبد الرضا و تقوی نسب، سید مجتبی، (۱۳۸۶). «تأثیر محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویتی ملی، مطالعه موردی عرب‌های استان خوزستان» مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره هشتم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۶.

نواح، عبد الرضا و تقوی نسب، سید مجتبی، (۱۳۸۶). بررسی عوامل موثر بر تشدید هویت قومی اعراب خوزستان، به عنوان یکی از عوامل موثر در چالش‌های استان خوزستان، مطالعه موردی اعراب شهرنشین استان خوزستان، اهواز: دانشگاه شهید چمران.

نواح، عبد الرضا و تقوی نسب، سید مجتبی، (۱۳۷۸). آسیب شناسی مسائل قومی در کشور، بررسی موردی: آسیب شناسی قومی در خوزستان، معاونت فرهنگی و اجتماعی مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع، تهران.

نواح، عبدالرضا، قیصری، نوراله و دیگران، (۱۳۸۹). آسیب شناسی مسائل قومی در کشور، مطالعه موردی عرب‌های ساکن شهر اهواز، فصلنامه تحقیقات فرهنگی، دوره سوم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۹

میلر، دلبرت (۱۳۸۰). راهنمای سنجش و تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نائینی، تهران: نشر نی.

یوسفی، علی، (۱۳۸۰). روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت ملی در ایران، تحلیلی ثانویه بر داده‌های یک پیمایش ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۰.



شرویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی